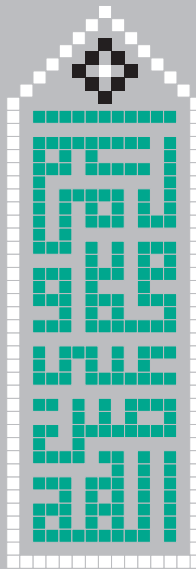


## اسماء الوحي والحي



سرشناسه: سمیعی، علیرضا، ۱۳۵۷ -  
عنوان و نام پدیدآور: نمایشنامه و اعتراض:  
نگاهی به زندگی و آثار ده نمایشنامه‌نویس معترض/علیرضا سمیعی؛  
[برای پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی].  
مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۴۰۲.  
مشخصات ظاهری: سیزده، ۲۷۵ ص: مصور.  
فروست: هنر اعتراضی جهان؛ ۴.  
شابک دوره: ۵-۵۴۱-۵-۳-۶۰۰-۹۷۸ شابک ج ۴: ۵-۵۰۵-۵۳-۶۰۰-۹۷۸  
عنوان دیگر: نگاهی به زندگی و آثار ده نمایشنامه‌نویس معترض.  
موضوع: نمایشنامه‌نویسان -- قرن ۲۰ م. -- سرگذشتنامه  
Dramatists -- 20th century -- Biography  
نمایشنامه‌نویسان -- قرن ۲۰ م. -- فعالیت‌های سیاسی  
Dramatists -- 20th century -- Political activity  
نمایشنامه سیاسی -- قرن ۲۰ م. -- تاریخ و نقد  
Political plays -- 20th century -- History and criticism  
شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر. پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی  
شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر  
رده‌بندی کنگره: PNI۸۶۱ رده‌بندی دیویی: ۲۵۴/۸۰۹  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۴۸۳۵۰

هنر اعتراضی جهان

۴  
نمایشنامه و اعتراض  
نگاهی به زندگی و آثار  
ده نمایشنامه نویس معترض معاصر جهان

علیرضا سمیعی





### انتشارات سوره مهر

وابسته به حوزه هنری

[www.sooremehr.ir](http://www.sooremehr.ir)

تهران، خیابان حافظ،

خیابان رشت، شماره ۲۳،

صندوق پستی: ۱۷۸۱۱-۱۵۹۱۸

سامانه پیامک: ۳۰۰۵۳۱۹

تلفن: ۶۱۹۴۲

فکس: ۶۶۴۶۹۵۱

تلفن مرکز بخش: (۵ خط)

۶۶۴۶۰۹۹۳

نشانی پژوهشکده:  
تهران، خیابان سمیه،  
حوزه هنری،  
پژوهشکده  
فرهنگ و هنر اسلامی  
کد پستی: ۱۵۹۹۷۱۹۵۱۴  
شماره تماس: ۸۸۸۹۶۳۳  
۰۹۱۰۸۱۰۲۴۲۸



باسک  
رسمی از  
دیجیتال  
پژوهشکده  
آگهی  
شعبه

### کتاب‌ها در زمین ریشه دارند

طبق تقاضای نامۀ انتشارات سوره مهر و سازمان منابع طبیعی  
بخشی از عواید فروش این کتاب به کاشت درخت اختصاص دارد



نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

#### فروشگاه اصفهان:

میدان انقلاب، سینما ساحل، کد پستی ۸۱۳۳۶۱۴۵۱۱  
تلفن: ۰۲۱-۲۲۲۴۷۷۳۳۶-۶

### پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی

هنر اعتراضی جهان؛ ۴

نمایشنامه و اعتراض

نگاهی به زندگی و آثاره نمایشنامه نویسنده معترض معاصر جهان

نویسنده: علیرضا سمعی

دبیر مجموعه: محمدرضا وحیدزاده

ویراستار: سید حسام‌الدین حقیقیان

طراح جلد و گرافیک: صادق جمالی

چاپ، صحافی و لیتوگرافی: پیکان

چاپ نخست: ۱۴۰۳

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۵۰۲۱-۵

شابک جلد ۴: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۵۰۵۰-۵

#### فروشگاه مرکزی:

تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ،  
جنب حوزه هنری، شماره ۲۴۵، تلفن: ۸۸۹۶۷۹۱۰۲  
فروشگاه انقلاب:

تهران، میدان انقلاب، جنب سینما بهمن، شماره ۱۰۲۳  
تلفن: ۶۶۴۷۶۵۶۸-۹

## فهرست مطالب



پیش‌گفتار	۶
مقدمه نویسنده	۱۱



شون اوکیسی؛ سایه دویلین	۱۴
برتولت برشت؛ هنرمندی در تبعید	۴۰
ژان پل سارتر؛ وجود داشتن در جلد نویسنده	۷۰
آرتور میلر؛ دود کردن رؤیا در آمریکا	۹۶
فردریش دورنمات؛ شکلات بسیار تلخ	۱۲۲
عبدالرحمن شرفاوی؛ بوییدن خاک اسلام	۱۴۶
کوبو آبه؛ خورشید تکه تکه ژاپن	۱۷۲
هارولد فوگارد؛ سفید پوست سیاه پوستان	۱۹۸
دیوید هر؛ سرزمین هرز	۲۲۶
وجدی معود؛ از خون چکان خاورمیانه	۲۵۴



## باسمه المصوّر



### پیش‌گفتار



#### نسبت هنر و سیاست؛ پرسشی به قدمت هنر و سیاست

هنر، در ذات خود چیست و چه نسبتی با سیاست دارد؟ این پرسشی است به دیرینگی تاریخ تفکر در باب هنر و به قدمت تاریخ اندیشیدن درباره سیاست. گواه این مدعا، مجموعهٔ محاورات فلسفی افلاطون است که در آن نسبت هنر و سیاست، در شماری از رساله‌ها به عنوان مضمون محوری و در بسیاری از رساله‌ها به شکل موضوعی جانبی پژوهش شده است. از آن گذشته، اهل هنر و شاعران، خود بی‌آن‌که منتظر دعوتی باشند، در کارزار سیاست حاضر می‌شدند. البته منظور ما از سیاست در این جا، صرفاً محدود به مفهوم حکمرانی و دولت نیست. مقصود از سیاست در این گفتار مطابق با فهم اصیل و کلاسیک، همانا قلمرو نقش‌آفرینی در سرنوشت عمومی و مشترک مردمان و شهرواست. سیاست در این معنا همان مدنیّت است که به موجب آن، آدمی از ورطهٔ زیست جانوری تعالی یافته و به مرتبهٔ خرد و فرهنگ و فضیلت انسانی نائل می‌گردد. در همین لحظه است که پیوند هنر و سیاست ناگزیر می‌شود. زیرا هنر نیز در تحلیل نهایی، همانا تعالی و عبور از طبیعت و درگذشتن از عادت و در نتیجه بسط ساحت فرهنگ و خرد انسانی است. هنر، به هم‌ریختن چینش طبیعی و خام امور و آرایش چیزها در طرحی نو و نظمی تازه است:

فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم

پس هنر دو چهره دارد: چهره‌ای پریشان‌کننده و شکافنده و چهره‌ای نظم‌آفرین و سامان‌بخش و این هر دو، شرط گذار از وضع طبیعی و عادی به وضع متعالی و آرمانی است:

از خلاف آمد عادت بطلب کام که من

کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم

این هم‌آمیزی جمعیت و پریشانی یا سامان و بی‌سامانی، روح جاری در میدان سیاست نیز است؛ سیاست هم دو چهره دارد: چهره‌ای قانونی و برقرار و محافظه‌کار و چهره‌ای آشوبناک و انقلابی و معترض.

### جوهرهٔ سیاسی هنر و بنیان زیباشناختی سیاست

پس اولاً هنر اساساً امری است سیاسی؛ یعنی ناگزیر در معرکهٔ سرنوشت عمومی مردمان و ملت‌ها حاضر است و ثانیاً. هم بنا بر ذات دووجهی خود و هم بنا بر ذات دوگانهٔ سیاست. چهره‌ای توفنده، ناآرام و معترض دارد. بنابراین آن چه ما «هنر اعتراضی» می‌نامیم، صرفاً ساحتی فرعی در هنر نیست؛ اعتراض در جوهر هنر ریشه دارد؛ چنانچه «هنر سیاسی» نیز برخلاف گمان خام‌اندیشان، درگرو بیرون رفتن از حدود حیات حرفه‌ای هنرمند نیست. هنر، اساساً سیاسی است؛ چنانچه سیاست نیز اساساً حاوی وجهی زیبایی‌شناختی است. «هنر اعتراضی» یا «هنر سیاسی» را حتی نباید گونه‌ای از گونه‌های هنر قلمداد کرد؛ چرا که در معنای عام، هر اثر هنری از چیزی اعراض می‌کند و امری را طلب می‌نماید. این مطلوب، غایت و آرمان هرچه باشد، سراسر وجود هنرمند را به جنبش و ادار نموده و در تاروپود اثر هنری، حضور می‌یابد. پس سیاست وصلهٔ جور یا ناجور هنر نیست، سیاست و هنر تاروپودی درهم‌بافته را می‌مانند.

## انگاره جدایی هنر و سیاست، بحران‌ها و کاستی‌ها

رویکردهایی که به هنر و سیاست نگاهی تنگ و مضیق دارند، از این بنیان وحدانی غافل‌اند. لذا در این دوقطبی ساختگی، یا جانب هنر را می‌گیرند یا طرف سیاست را:

- گروهی مدعی پیرایش هنر از سیاست و ایدئولوژی‌اند و حراست از آنچه «هنر ناب» می‌نامند را درگرو بی‌تفاوتی و فراغت هنرمند از مسئولیت اجتماعی و سیاسی می‌انگارند و تنزه‌طلبانه، هنر را در مقامی بیرون از میدان منازعات تاریخی و تمدنی می‌نشانند.

- و گروهی دست سیاست و قدرت را در مصرف بی‌مبالات هنر، آزاد گذاشته و هنر را صرفاً خادمی در دربار ارزش‌ها و طرح‌های سیاسی می‌پندارند و بدین ترتیب، هنر را به رسانه و هنرمند را به مبلغ فرومی‌کاهند.

رجوع به بنیان وحدانی هنر و سیاست، نقطه آغاز عبور از این دوقطبی مخرب است. در این بنیان وحدانی، مفهوم و مسئله «اعتراض» از مهم‌ترین مفاهیم و مسائل است.

## نهاد ناآرام هنر؛ هنر و اعتراض

«هنر اعتراضی» به معنی خاص کلمه، در طول تاریخ همواره بخش مهمی از آثار هنری و ادبی را دربرگرفته است: از نمایش‌نامه‌های شهیر یونانی چون «آنتیگونه» تا داستانهای کهن ایرانی همچون «رستم و اسفندیار»؛ در دوران معاصر اما، اعتراض در عموم هنرها، پرزنگ‌تر و صریح‌تر شده است. هنر جدید، گویی به نحو مضاعفی، وجهه‌ای ناآرام و نیرویی ویرانگر دارد. این امر می‌تواند ریشه در جوهر سوژکتیو تمدن جدید داشته باشد. شاید هم نتیجه این واقعیت است که هنر در عصر حاضر بیش از هر زمان دیگر، واجد نقش و مضمون اجتماعی و تاریخی و ناظر به حیات ناسوتی آدمی است.

از سوی دیگر ما در صحنه جهانی سیاست، با پدیده‌ای بی‌سابقه روبه‌رو هستیم: تمدن مدرن در بطن خود طرحی از قدرت فراگیر، جهانی و همه‌جانبه را به میدان آورده که نتیجه آن ظهور دولت‌های استعمارگر غربی و ساختارهای استثمارگر اقتصادی است. این شکل نوظهور از قدرت، لویاتان یا هیولای بی‌مهری است که همه چیز را فرومی‌بلعد و در خود هضم می‌کند. این قدرت، اراده خود را به اشکال گوناگون، مستقیم یا غیرمستقیم بر همه چیز تحمیل می‌کند و در این مسیر هیچ چیز مانع بسط اراده او نیست. علم و قانون و دین و فرهنگ و هنر و سایر مظاهر والای حیات انسانی نیز دستخوش دست‌اندازی این قدرت فراگیر اقتصادی و سیاسی است؛ به نحوی که این همه خود به کارگزاری در خدمت فراگیری و ریشه‌داری این نظام اقتدار جهانی بدل شده‌اند. در این میان، هستند در بین اهل فرهنگ کسانی که تن بدین نظم مقهورکننده نمی‌دهند و در پی آنند که سنگری برای رویارویی آدمی در برابر این ماشین جهانی اقتدار فراهم کنند. در این میدان، هنرمندان سرآمد و پیشرواند. «هنر اعتراضی جهان» شبکه‌ای از آگاهی و اراده‌رهای بخش جهانی است در سراسر بلاد مسکون، رویارو با نظام سرمایه‌دارانه و استعماری قدرتهای جدید. قدرتی که در شکل متمرکز، ایالات متحده آمریکا تجسم همه ابعاد و نیروهای آن است. وجود این نیروی مقهورکننده و ضرورت انسانی مقاومت در برابر آن، سومین و شاید مهمترین دلیل باشد برای این واقعیت که هنر معاصر جهان بیش از هر دوران، ماهیتی معترض و جوهری ناآرام دارد.

### مجموعه «هنر اعتراضی جهان»

ایران، هم پیش و هم به‌ویژه پس از انقلاب ۵۷، از کانون‌های این مقاومت انسانی در برابر نظم مستبد جهانی است. خاستگاه و پشتوانه این مقاومت، سرمایه‌های عمیق و کهن فرهنگی و معرفتی و هنری تمدن ایران اسلامی است

که در بستر خود نمودهای متنوعی از هنر اعتراضی و انقلابی را به بار نشانده است. جامعه ایرانی اما درک جامعی از هنر اعتراضی در سطح جهانی ندارد. در نتیجه از سویی در میان مدعیان فرهنگ و هنر در ایران شاهد نوعی واگرایی نسبت به هنر متعهد و معترض به نظام جهانی هستیم و از سوی دیگر در میان جماعت هنر انقلابی در ایران، شاهد نوعی ناآگاهی از تجارب جهانی در این زمینه‌ایم که سبب می‌شود هنر انقلابی ایران، زبانی محلی و محدود پیدا کرده و از دست‌یابی به زبان جهانی در هنر واماند. این ضرورت‌ها انگیزه طرح تولید مجموعه کتاب‌های «هنر اعتراضی جهان» در پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی گردید. در هر مجلد از این مجموعه بنا داریم به ۱۰ هنرمند یا اثر هنری برجسته در حیطه هنر اعتراضی معاصر جهان پردازیم تا بدین ترتیب این نکته را بیازماییم که هنر متعهد، مسؤل و معترض چه منزلتی در تولیدات طراز اول هنری جهان داراست.

### شورش نمایشنامه‌نویسان

در این مجلد که به همت دوست کوشا و فاضلم آقای علیرضا سمیعی تألیف شده است، ده نمایشنامه‌نویس بزرگ جهان از ممالک شرق و غرب و زبان‌ها و نژادهای گوناگون، در اعتراض به ستم و استکبار و استبداد و سرکوب، هم‌سرا و هم‌آوا شده‌اند. از جناب وحیدزاده نیز بابت نقش محوری در طرح ایده و دبیری این مجموعه، سپاسگزارم. همچنین شکرگزار همه همکارانم در پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی و نیز انتشارات گرامی سوره مهر هستم و توفیق همگان را در مسیر اعتلای فرهنگ غنی ایران اسلامی از خدای عزیز خواستارم.

سید حسین شهرستانی

مدیرگروه حکمت هنر پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی



## مقدمه نویسنده



نمایشنامه نویسان از ابتدا سر ناسازگاری داشتند. آن‌ها منعکس‌کننده شجاعت‌ها و غم‌ها و خنده‌های مردم بودند. هرگاه فرصت داشته‌اند، در برابر سرکشان ایستاده‌اند. ما همواره داستان‌های آن‌ها را روی صحنه می‌بینیم که در بازی هنرپیشه‌ها جان می‌گیرد. از این رو، می‌توانستیم دق دل خود را دست‌کم تا وقتی در سالن هستیم، با خنده‌ها و اشک‌ها و تشویق‌ها خالی کنیم. وقتی به خانه می‌رویم، آگاهی‌گران قدری که از صحنه وام گرفته‌ایم با خود به خلوت می‌بریم. این بخت را داریم که با آن دوباره خود را بسازیم. باشد که برای مقاومت علیه زورمندان با خویش، تجدید عهد کنیم.

آن‌ها در گفت‌وگوهای روی صحنه از سوپی واگوی منویات ما هستند و از سوی دیگر، مایه پیوند شخصیت‌هایی می‌شوند که در کوران تضارب‌آرا به هم می‌پیوندند. باین حال، شخصاً مجذوب هنرمندانی می‌شدم که روی صحنه قدرتمندان را خطاب می‌کردند و داد مردم را به ایشان می‌رساندند. تئاتر متعهد همیشه موازنه‌ای را با مثلث قدرت و هنر و مردم ایجاد کرده که در نهایت به سود زندگی تمام شده است.

هر کار کنیم، در نهایت، روی صحنه و در پیش چشم مخاطبان نمی‌توان صراحت نداشت. به همین دلیل است که انتقاد از ظلم همیشه در کارنامه نمایشنامه‌نویسان بوده است. هرچند در پایان قرن بیستم و پس از رواج تئاترهایی که به درون زندگی ذهنی می‌غلطند، بَرندگی صحنه کم شده است، هنوز در شمار آثار بزرگان، درخشان‌ترین کارها همان‌ها هستند که در پوستین سرکشان و قداران می‌افتند؛ کسانی که می‌شناسیمشان، سیاست‌مداران کشورهای قدرتمندی مانند آمریکا، انگلستان، فرانسه، ژاپن و آفریقای جنوبی، که با بند و بست‌ها، سرمایه‌سالاری، نژادپرستی و جنگ افروزی، بلا می‌زایند و آتش درو می‌کنند.

من هم مثل همه دانشجویها اغلب یکی‌دو نمایشنامه کنار دستم برای خواندن داشتم؛ اما فکر نمی‌کردم به این زودی بنشینم و چیزی درباره تئاتر بنویسم؛ چون بیشتر درگیر شعر و رمان و نقاشی بوده‌ام. اما وقتی دل به نمایشنامه‌ها بدهی، گاهی به مقالاتی سرک می‌کشی که درباره نویسندگانه سبک‌ها و تفاسیر آثار نوشته شده‌اند. همچنین معمولاً شجاعت نویسندگان را ستایش می‌کنی.

وقتی محمدرضا وحیدزاده خواست کتابی درباره نویسندگان متعهد بنویسم، موافقت کردم؛ اما کار سخت‌تر از آنی بود که در ابتدا به نظر می‌رسید. دوستان پژوهشگاه رضایت دادند این کتاب بدون اجبار به ارجاعات نوشته شود؛ اما یادداشت‌ها و حاشیه‌هایی که اینجا و آنجا به جا گذاشته بودم بیش از حد درهم‌وبرهم بود. سرانجام، احسان زیورعالم با دوستی شگفت‌انگیزی که داشت، من را در انتخاب نویسندگانه یاری داد؛ نمایشنامه‌ها و مقالات مفیدی برایم فرستاد و برای هریک نکاتی ارزشمند را به من آموخت.

با این همه، برای انتخاب ده نویسنده معترض موفق نمی‌شدم. این آراز بارسقیان بود که من را با «دیوید هر» آشنا کرد. اگر راهنمایی نصرالله قادری نبود، بعید بود آثار «وجدی معود» را به این زودی پیدا کنم.

وقتی لپ‌تاپ را باز کردم تا تق‌وتوق‌کنان کتابم را سر بیندازم، سرگردانی دیگری آغاز شد. مجبور بودم نوشته‌های خودم و دیگران را بازیابی و مرتب کنم. می‌توانستم دوباره نمایشنامه‌ها را بخوانم و لذت ببرم؛ اما کار جست‌وجو و ترجمه اظهارنظرها چنان وقت‌گیر بود که از ادامه کار پشیمان شدم. ولی همسر، ملیکا آلیک، همه چیز را به شکلی جادویی مرتب کرد؛ حتی درباره آثار خوانش‌هایی داشت که متقاعد شدم او بهتر از من می‌تواند کتاب را تمام کند. از ایشان خواستم خودشان کار را پیش ببرند، ولی او مثل همیشه می‌خواست در سایه بماند. بدون کمک و راهنمایی او هرگز نمی‌توانستم این کتاب را تمام کنم. اکنون کمترین کاری که از دستم برمی‌آید این است که کتاب را به خودش تقدیم کنم؛ کتابی که احتمالاً می‌توانست بهتر از من بنویسد.

در پایان از ثنا و محمدصدرا عذر می‌خواهم؛ زیرا وقتی به خانه برمی‌گشتم، به جای رسیدگی به آن‌ها خود را در اتاق محبوس می‌کردم تا از ساعات آخر شب برای نوشتن استفاده کنم. آن‌ها با صبوری کودکانه‌شان من را می‌بخشیدند؛ ولی لطف آن‌ها شرمساری من را نمی‌کاهد.

سعی کردم چیزی بنویسم که باعث لذت مخاطبان شود و احیاناً کمک کند تا آثار خواندنی را به دست گیرند. واضح است که نام‌های یادشده همگی صلاحیت بیشتری از من داشتند؛ اما مرا رهین منت خود کردند. امید آنکه ذوق آن‌ها رضایت خاطر مخاطبان را فراهم کرده باشد.

علیرضا سمیعی